

تأثیر تعلیم و تربیت در توسعه اقتصادی و اجتماعی

ارتباط بین تعلیم و تربیت و اقتصاد پدیده‌ای است نسبتاً تازه. بحث‌های مربوط به روانشناسی کودک و تعلیم و تربیت تجربی گرچه بنیوه خود حائز اهمیت است ولی برای جامعه امروز باشالوده اقتصادی آن چندان تازگی ندارد. مسأله مهمی که برای جوامع معاصر بخصوص کشور های در حال رشد حائز اهمیت است نقش تعلیم و تربیت در توسعه اقتصادی و اجتماعی و رابطه آن با سایر عوامل تولید است.

سابقاً علمای اقتصاد و دانشمندان تعلیم و تربیت هریک از توجه به موضوع کار دیگری اکراه داشتند عالم اقتصاد تصور میکرد که تعلیم و تربیت به سبب ماهیت خاص آن نمی‌تواند با ابزار و وسایل علمی و اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد و کارشناس تعلیم و تربیت گمان می‌کرد که معرفی عوامل اقتصادی در تعلیم و تربیت شان و منزلت معنوی آن‌را کاهش خواهد داد.

پس از جنگ جهانی دوم مرزهای ثابتی که میان رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی برقرار بود درهم شکست و ارتباط و پیوند های نوین به منظور بررسی همه جانبه پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی برقرار گردید عالم اقتصاد به مطالعه‌ی تعلیم و تربیت راغب شد و کارشناس تعلیم و تربیت نتایج بررسی اقتصادی را اساس مطالعات خویش قرار داد، در نتیجه بحث تازه‌ای آغاز شد و مسایل فرهنگی و آموزشی مورد توجه علمای اقتصاد و کارشناسان مالی قرار گرفت. اصطلاحات نیروی انسانی - تعلیم و تربیت فنی و حرفه‌ای و غیره که در اغلب انتشارات سنوات اخیر دیده می‌شود نشان می‌دهد که آموزش و پرورش در افزایش تولید بهمان اندازه سهمیم و شریک است که سرمایه و نیروی کار علمای اقتصاد کوشش کرده و می‌کنند که سهم عامل سوم یعنی (تعلیم و تربیت) را در سرمایه گذار یهای

فرهنگی محاسبه نمایند و معلوم دارند از لحاظ اقتصادی چه مبلغی باید به تعلیم و تربیت و توسعه فرهنگ اختصاص داده شود که با سطح تولید و رشد اقتصادی کشور هماهنگ و منطبق باشد بدین ترتیب تأثیر تعلیم و تربیت در توسعه اقتصادی و اجتماعی هر مملکت روز بروز بر اهمیت خود می افزاید و بحث جدیدی را بمیان می آورد که ضرورت مطالعه و تحقیق درباره آن آشکار می شود.

مهمترین هدف تعلیم و تربیت فراهم ساختن موجبات رشد و شکفتگی استعداد های فردی است.

وقتی صحبت از شکفتگی استعداد های فردی میشود منظور چیست؟ گویا نظر آن باشد که برای هر فرد بطور کامل موقعیت و زمینه مناسب جهت رشد و توسعه استعداد های او فراهم گردد تا بتواند از تجربیات و اندوخته های علمی شخصی و فردی خود در زندگی استفاده کند اما بهترین صورت تعلیم و تربیت آن است که در عین جویگویی به تقاضاهای فردی به ملاحظات اجتماعی و اقتصادی هم توجه داشته باشد. هدف اجتماعی تربیت تنها تأمین وارضای تمایلات شخصی و حوائج فردی نیست بلکه آماده ساختن افراد برای نوعی فعالیت تولیدی و خلاقه بنفع جامعه است که علاوه بر سود فردی، یک نوع اعتماد بنفس و تعادل روانی نیز به شخصی که خود را مفید و مؤثر دانسته می بخشد. بدین ترتیب هدفهای فرهنگی و تعلیم و تربیتی هر مملکت علاوه بر جنبه اجتماعی و اخلاقی باید جنبه حرفه ای و اقتصادی هم داشته باشد زیرا تعلیم و تربیت در افزایش تولید مؤثر است از لحاظ خصوصیت منحصر بفردی که دارد یکی از عناصر تشکیل دهنده سطح زندگی محسوب می شود.

هدف اجتماعی و حرفه ای تعلیم و تربیت آنست که استعداد افراد را برای تمیز و تشخیص رفتار اجتماعی و نقش و مسئولیتی که در آینده بصورت پدر یا مادر - فرد اداری یا آزاد، کشاورز یا صنعتگر بعهده خواهند داشت تربیت مینماید. بدین ترتیب تعلیم و تربیت در خدمت فرد و اجتماع قرار می گیرد و با حفظ ارزش باستانی خود به هدفهای اجتماعی و اقتصادی هم پاسخ می دهد - بحث و تجزیه و تحلیل درباره نقش مستقیم تعلیم و تربیت در تبدیل و تغییر منابع نیروی انسانی و انطباق آنها با حوائج دستگاه تولید محتاج فرصت جداگانه ای است ولی بهر صورت نمیتوان تأثیر و نفوذ غیر قابل انکار تعلیم و تربیت فنی و حرفه ای را در زندگی فردی انسان نادیده شمرد زیرا به تجربه ثابت شده است که تعلیم و تربیت با تحرك اقتصادی و رشد اجتماعی ملتها نسبت مستقیم دارد.

تذکار این نکته که کیفیت تولید با اطلاعات و معلومات فنی

کارگران ارتباط مستقیم دارد امری بدیهی است که محتاج به استدلال نمی‌باشد. هنگامی که کلیه عوامل تولید باستانی کارگران فنی و کار آزموده فراهم باشد تربیت افراد مورد نیاز هرگونه سرمایه‌گذاری دیگر اولویت دارد. این وضع خاص کشور های عقب افتاده است زیرا در این قبیل کشورها مهمترین هدف اجتماعی و اقتصادی تأمین رفاه عمومی و از بین بردن فقر و گرسنگی است. موضوع کمبود کارگران ماهر و متخصصان کارآزموده در رشته های مختلف صنعت و کشاورزی در درجه اول اهمیت قرار دارد و برای جبران این کمبود ناگزیرند یکی از دو راه را انتخاب نمایند.

راه اول تهیه وسایل لازم برای تربیت نیروی انسانی کافی است که جوابگوی احتیاجات آتی و آتی مملکت باشد برای تأمین این منظور باید نسبت به تغییر برنامه های فرهنگی مملکت و توسعه تعلیمات فنی و حرفه‌ای و تربیت افراد مورد نیاز اقدام عاجلی نمود زیرا این قبیل ممالک هدف اساسی تعلیم و تربیت تهیه افراد ادیب و سخنران و سیاستمدار بوده و به تعلیمات فنی و کشاورزی چندان توجهی نشده است. بسیاری از موانع که سد راه صنعتی شدن و رشد و توسعه این قبیل کشورها شده اند مثلاً فرهنگی و تربیتی دارند.

در جامعه‌ای که کمبود کارگر فنی، مروج کشاورزی، معلم تحصیل کرده، حسابدار ورزیده و تکنیسین در رشته‌های مختلف صنعتی و کشاورزی محسوس است، هدف اجتماعی تعلیم و تربیت علاوه بر جواب گویی به تمایل افراد جهت رشد و توسعه استعدادهای فردی جوابگویی به احتیاجات اجتماع از نظر تأمین رشد و تکامل اقتصادی است. برای کسانی که برنامه‌های مملکتی را تنظیم و سیاست کلی اقتصادی کشور را تعیین می‌کنند بخصوص در کشورهای در حال رشد این موضوع حائز کمال اهمیت است. در این قبیل کشورها کادر اداری و فنی باندازه کافی وجود ندارد و عده کارگران ماهر و کارشناسان واجد شرایط بحدنصاب نمی‌رسد و منابع مالی و امکانات اقتصادی محدود است منطقی‌ترین راه تنظیم برنامه‌های طویل‌مدت و توزیع عادلانه و عاقلانه اعتبارات براساس اولویت در تأمین احتیاجات فرهنگی مملکت میباشد. بعضی اوقات این قبیل مسایل بستگی با هدفها و نظرات کلی و اجتماعی و سیاسی مملکت دارد مثلاً عدالت اجتماعی اقتضا میکند که تعلیمات عمومی اجباری و مجانی برای عموم افراد صرف نظر از جنس و اصل و نسب و خانواده و محل سکونت تأمین شود و بهمین جهت تعمیم و توسعه تعلیمات ابتدائی بدون در نظر گرفتن امکانات مالی و بنیسه اقتصادی کشور مورد توجه قرار میگیرد و در مقابل تعلیمات متوسطه که

کادر میانه را برای تکامل نظام اقتصادی و اجتماعی کشور تأمین میکند بدست فراموشی سپرده می‌شود و پس از مدتی عدم تعادل قابل ملاحظه‌ای ایجاد می‌شود، همچنین گاهی اوقات قسمت اعظم اعتبارات صرف توسعه تعلیمات عالی و تعلیم و تربیت کادر فنی و مهندسیین عالی مقام می‌شود و تربیت کادر متوسطه و کارکنان اداری که رابطه بین دسته اول و دوم هستند مورد مسامحه قرار می‌گیرد و بدین ترتیب بهره‌برداری از سرمایه‌هایی که صرف تعلیم و تربیت این افراد شده است عملاً غیر ممکن می‌گردد بنابراین علاوه بر اینکه تربیت نیروی انسانی مورد بحث لازم است تهیه طرح‌های لازم برای تعیین و تقسیم اعتبارات بین رشته‌های مختلف تعلیم و تربیت و درجات آن نیز از نکات قابل توجه است.

در کشورهای که اصل برنامه‌ریزی قبول و برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی تنظیم شده است برنامه‌های آموزشی سازگار و هماهنگ با برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. در بیشتر کشورهای عقب افتادگی دارند نوعی بیکاری مخفی بخصوص بین افراد تحصیل کرده وجود دارد. در بعضی از کشورها این قبیل افراد فارغ‌التحصیلانی هستند که اشتغال به کارهای یدی را دون شأن خود می‌پندارند و نمی‌خواهند بکارهای فنی پردازند. در دیگر کشورها افراد بیکار آنهائی هستند که تحصیلات دانشگاهی دارند و طبق روش تعلیم و تربیت کشورهای متری تربیت شده دانشگاهی دارند و طبق روش تعلیم و تربیت کشورهای متری تربیت شده‌اند و کاری که مطابق تخصص ایشان باشد یا وجود ندارد و یا خیلی محدود است. این قبیل ملاحظات دلیل بر شکست نظام تعلیم و تربیتی کشور نیست لیکن دلیل بر نقص تشکیلات و نداشتن هدف تعلیماتی مشخصی است. در این قبیل مواقع راه علاج آنست که دستگاه طرح‌ریزی و هدایت برنامه‌های آموزشی مملکت تقویت شود و با بررسی‌های دقیق و علمی میزان تقاضای آنی و آتی مشخص گردد. معایب سازمانهای تعلیماتی روشن گردد و معلوم شود که مؤسسات تعلیم و تربیت باید در چه رشته و به چه میزان افراد مورد احتیاج را تربیت کنند. بنابراین تنظیم برنامه‌های فرهنگی از ضروریات غیر قابل انکار است زیرا سرمایه زوال ناپذیر نیروی انسانی برای هرملتی ارزنده‌ترین سرمایه‌هاست و همین ارزندگی حکم میکند که برای بهره‌برداری و هدایت صحیح آن برنامه‌های جامعی تنظیم گردد.

راه دوم تهیه افراد مورد نیاز از خارج مملکت است و این عمل ممکن است بطریق مهاجرت یا بطور موقت صورت پذیرد. پس از جنگ جهانی دوم و ابداع برنامه‌های کمک اقتصادی و فنی به کشورهای در حال توسعه از جانب ممالک متری و صنعتی اعزام کارشناسان فنی و اقتصادی به

مقیاس خیلی وسیع از ارکان اصلی این قبیل برنامه ها بوده است. در کشورهای که وسایل تعلیم و تربیت افراد کاردان فراهم نیست و نیروی انسانی لازم برای انجام برنامه های عمرانی خیلی کم است استفاده از کارشناسان خارجی آن هم برای احتیاجات فوری و بخصوص برای تربیت نیروی انسانی داخلی برای مدت محدودی مجاز بنظر می رسد ولی احتیاجات دائمی مملکت را نمیتوان بدین طریق تأمین کرد و باید تدابیری اتخاذ نمود که اعتبارات مملکت بصورت پرداخت حقوق کارشناسان و کارگران خارجی مصرف نگردد و تنها راه جلوگیری از خروج اعتبارات ارزی مملکت اقدام عاجل برای تربیت کارشناسان داخلی و تکمیل و توسعه دستگاهها و سازمانهای تعلیم و تربیت مملکت است .

از مطالب فوق میتوان نتیجه گرفت که بین تعلیم و تربیت و اقتصاد رابطه ای نزدیک و قابل بررسی و تحقیق وجود دارد و سرمایه گذاری در راه تعلیم و تربیت میتواند تابع قوانین اقتصادی بخصوص قانون عرضه و تقاضا باشد، اما این نکته شایان توجه است که تنها توسعه و پیشرفت اقتصادی نمی تواند هدف جوامع بشری باشد، و کسی نمی تواند ادعا کند که تنها وظیفه سازمان تعلیم و تربیت هر کشور تسریع و تسهیل رشد اقتصادی و تربیت انسان مولد است بلکه باید گفت تعلیم و تربیت علاوه بر مشارکت و تسریع در رشد اقتصادی هدف اجتماعی و انسانی مشخصی هم دارد که ناگزیر به تبعیت از آن است، اگر از تعلیم و تربیت رشد صفات انسانی و تکمیل فضایل اخلاقی لازم حاصل نشود نظام اقتصادی و اجتماعی پایدار نخواهد ماند. لذا در تعیین رابطه بین تعلیم و تربیت با اقتصاد اندیشه ترقی و تعالی فرد، تساوی امکانات، تحقق آرمانهای ملی، تربیت انسان کامل و هر نوع هدف دیگری که از راه تعلیم و تربیت تأمین میگردد باید منظور نظر قرار داده شود.